

فرآیند عصری‌سازی افعال پیامبر ﷺ^۱

مهدی مردانی (گلستانی)*

چکیده

الگوگیری از افعال پیامبر ﷺ همیشه میسور نیست و گاه بهره‌گیری از افعال ایشان با دشواری همراه است. چنان‌که فاصله تاریخی بین پیامبر ﷺ و مخاطب امروز، تأسی به پیامبر ﷺ را با محدودیت مواجه کرده و پیروی از برخی افعال ایشان را نامیسور ساخته است. از این‌رو، لازم است تا با در نظر گرفتن اقتضائات و شرایط زمان، افعال ایشان متناسب با فرهنگ زمانه «عصری‌سازی» گردد. مقاله پیش رو تلاش دارد تا با تبیین مراحل عملی، چگونگی عصری‌سازی افعال پیامبر ﷺ را نشان دهد و روش بهره‌گیری از افعال تاریخی پیامبر ﷺ را تبیین کند. حاصل تلاش یادشده فرایندی پنج مرحله‌ای است که مسیر روزآمدسازی افعال پیامبر ﷺ را متناسب با فضای فرهنگی و محیطی امروز هموار می‌سازد. امکان‌سنجی تأسی، احراز محدودیت تاریخی، تشخیص آموزه متغیر، کشف مقصود و بازسازی فعل پیامبر ﷺ، پنج مرحله‌ای است که می‌توان برای عصری‌سازی افعال پیامبر ﷺ به کار گرفت.

واژگان کلیدی

معاصرسازی، سنت فعلی، سیره نبوی، روش‌شناسی.

۱. مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی نگارنده با عنوان «عصری‌سازی افعال معصومان: مبانی، روش و نمونه» است که در پژوهشکده علوم اسلامی بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی انجام شده است.

*. استادیار پژوهشکده علوم اسلامی رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ایران.

mahdi_mardani@islamic-rf.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۴

طرح مسئله

بر پایه آموزه‌های قرآن و سنت، الگوگیری از افعال پیامبر ﷺ امری لازم و ضروری است؛ چنان‌که خداوند متعال، رسول خدا ﷺ را به‌عنوان الگو معرفی کرده و مؤمنان را به تأسی از افعال ایشان فراخوانده است.^۱ همچنین امیرالمؤمنین علیه السلام، تأسی به سیره انبیا به‌ویژه رسول اکرم ﷺ را جزو وظایف دینی مسلمانان برشمرده و آنان را به پیروی از افعال حضرت دعوت کرده است.^۲ لکن الگوگیری از پیامبر ﷺ همیشه میسر نیست و گاه بهره‌گیری از افعال ایشان به‌دلیل محدودیت‌های تاریخی با دشواری همراه است؛ چنان‌که غذا خوردن با بردگان، سوار شدن بر الاغ بی‌پالان، دوشیدن شیر بُز و پوشیدن لباس پشمی^۳ از جمله افعالی است که در زمان صدور، میسر و مطلوب بوده است و امروزه به‌دلیل تغییر شرایط زمانی و تفاوت نگاه فرهنگی، نامرسوم تلقی می‌شود. از این‌رو، برای الگوگیری از پیامبری که در فاصله چهارده قرن با مخاطب امروز قرار دارند، می‌بایست اقتضائات عصر جدید را در نظر گرفت و افعال ایشان را متناسب با فرهنگ زمانه «عصری‌سازی» کرد؛ برای این منظور، با تتبع در منابع فقهی، قرآنی و حدیثی شیعه و نیز ارزیابی داده‌های مرتبط در مباحث همسو، فرایند عصری‌سازی افعال پیامبر ﷺ طراحی گردید و چگونگی بهره‌گیری از افعال تاریخی پیامبر ﷺ تبیین شد.

شیوه گردآوری اطلاعات در این مقاله، کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی است. بدین ترتیب که با تتبع در منابع غالباً حدیثی و گزینش گزاره‌های رفتارشناسانه پیامبر ﷺ، ابتدا متون مورد استفاده در پژوهش گردآوری شد. در این مرحله، سه ویژگی فعلیت، محدودیت و تاریخت، معیار گزینش متون نبوی بوده است و تنها روایاتی انتخاب گردید که اولاً حکایت‌گر فعل پیامبر ﷺ باشد، ثانیاً دارای محدودیت در تأسی باشد و ثالثاً محدودیت آن ناشی از فاصله زمانی بین پیامبر ﷺ و مخاطب امروز باشد. آنگاه با تحلیل افعال منتخب که به کمک متون مشابه و قراین درون متنی و برون متنی احادیث صورت گرفت، مراحل عملی عصری‌سازی افعال پیامبر ﷺ ترسیم و بر مصادیق فعلی پیامبر ﷺ تطبیق گردید.

این تحقیق از منظر تبارشناسی، مطالعه‌ای میان‌رشته‌ای است که از پیوند دو دانش حدیث و تاریخ بهره می‌گیرد و به تحلیل گزاره‌های رفتارشناسانه پیامبر ﷺ می‌پردازد. چراکه از یک سو، بر روی

۱. احزاب / ۲۱.

۲. ر.ک: سید رضی، *نهج البلاغه*، خطبه ۱۶۰.

۳. ر.ک: ابن بابویه، *عیون اخبار الرضا* علیه السلام، ج ۲، ص ۸۱.

فعل معصوم تمرکز دارد^۱ و از سوی دیگر، به تحلیل تاریخی آن می‌پردازد و افعال پیامبر ﷺ را در بستر تاریخ مورد کنکاش قرار می‌دهد. البته در این میان، از دیگر دانش‌های مرتبط همچون فقه و اصول نیز بهره گرفته شده و در تبیین مسائل مرتبط مورد استفاده قرار گرفته است.

پیشینه تحقیق

در این باره، پژوهش مستقلی انجام نشده است و تنها در برخی کتاب‌ها و مقالات، دغدغه اصلی تحقیق مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه، سید محمد کاظم طباطبایی در تحلیلی با عنوان «قواعد استنباط از سیره نبوی»، استنباط از سیره و الگوگیری از آن را نیازمند پژوهشی چند مرحله‌ای دانسته است که اثبات صدور رفتار از پیامبر ﷺ، فهم و تحلیل صحیح رفتار و الگوسازی از جمله آنهاست. وی در مرحله الگوسازی، «عصری‌سازی» سیره در فضا و مکان امروزین را نکته‌ای مهم در تحلیل سیره معرفی کرده و با ارائه نمونه‌هایی از سیره پیامبر ﷺ، بر روزآمد کردن سیره با استفاده از ملاک‌های معتبر تأکید کرده است.^۲

محمد عالم‌زاده نوری در کتاب *استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم* و در بحث «اشکالات لزوم تأسی به معصومان»، اختلاف شرایط زمانی و مکانی معصومان با شرایط کنونی را یکی از موانع تأسی بر شمرده و بر این نکته تأکید کرده است که اگر معصومان در عصر ما می‌بودند، بی‌شک در مواردی به طریق دیگر عمل می‌کردند. وی استفاده از چارپایان برای حمل و نقل و استفاده از تیر و کمان برای جنگ را دو نمونه‌ای بر شمرده است که امروزه به قصد تأسی از معصومان به کار گرفته نمی‌شود و به‌عنوان سنت پاس داشته نمی‌شود.^۳

عباس پسندیده نیز در مقاله «معاصر سازی اسوه‌های دینی»، تفاوت زمانی اسوه‌های دینی با امروز را مشکل اساسی جامعه ما در الگوگیری دانسته و «معاصر سازی» را چاره این موضوع معرفی کرده است. او بر این باور است که بدون واپس‌گرایی و باتوجه‌به مقتضیات زمان، می‌توان سبک زندگی شخصیت‌های دینی را - با همان اصالتی که داشتند - الگو قرار داد. برای این منظور، وی با تطبیق ایده معاصر سازی بر مسئله عفاف، به ارائه راهکارهایی پرداخته است که اسوه‌های دینی را برای الگوگیری در زمان حاضر کارآمد می‌سازد.^۴

۱. طبق تعریف مشهور، حدیث عبارتست از: «حکایت قول، فعل و تقریر معصوم». (شیخ بهایی، *الوجیزة فی الدراییة*، ص ۴)

۲. ری‌شهری، *سیره پیامبر خاتم ﷺ*، ج ۱، ص ۷۲ - ۶۵

۳. عالم‌زاده نوری، *استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم*، ص ۶۰ و ۱۴۱.

۴. پسندیده، «معاصر سازی اسوه‌های دینی»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴۲، ص ۱۳۱ - ۱۰۳.

البته در این باره، کتاب‌های دیگری مانند: *عصری‌سازی اندیشه دینی* نگاشته عبدالمجید شرفی و نیز *اندیشه سیاسی اسلام معاصر* نوشته حمید عنایت نیز تألیف شده است که به جهت موضوع، با مقاله حاضر همسان شمرده می‌شود؛ لکن این مقاله با کتب یادشده متفاوت است و به جهت دامنه، رویکرد و نوع تحقیق فرق دارد؛ چه، دامنه تحقیق در آثار یادشده، دین اسلام است و دامنه تحقیق در این مقاله، افعال پیامبر ﷺ است؛ رویکرد آثار پیشین سیاسی است و رویکرد این مقاله حدیثی - تاریخی است و موضوع پژوهش‌های پیشین عام است و این تحقیق بر یک مسئله خاص (عصری‌سازی) تمرکز دارد.

مفهوم‌شناسی

واژه «فعل» در لغت اسم مصدر انجام دادن است^۱ و در اصطلاح، به حسب دانش‌هایی که در آن استعمال شده، معانی متفاوتی یافته است. چنان‌که در «ادبیات عرب»، به کلمه‌ای اطلاق می‌شود که بر معنایی مستقل و مقرون به یکی از زمان‌های ماضی، حال و مستقبل دلالت کند؛^۲ در «اصول فقه»، به عملی گفته می‌شود که معصوم آن را به قصد تشریح به انجام رسانده باشد^۳ و در دانش «فلسفه»، به معنای هیئت است که از سوی مؤثر بر چیزی عارض می‌شود.^۴ اما تعاریف یادشده در انعکاس حقیقت فعل معصوم موفق نبوده و همه ابعاد معناشناختی آن را روشن نساخته است؛ چراکه گاه فعل معصوم مستقیماً و به منظور القای یک پیام دینی صادر می‌شود (کنش) و گاه در مواجهه با موقعیتی بیرونی انجام می‌پذیرد (واکنش)؛ گاه به شکل ایجاد رخ می‌دهد (انجام) و گاه به شکل امساک و واگذاشتن ظهور دارد (ترک)؛ همچنین گاه معصوم چیزی را با سکوت و سکون خود تأیید می‌کند (تقریر) و گاه با ردع قولی یا فعلی، آن را انکار می‌نماید. در حقیقت فعل معصوم گونه‌های مختلفی دارد که با تنقیح و تبیین دقیق ماهیت آن، می‌توان تنوع و فراوانی آن را روشن ساخت و تفاوت آن را با دیگر گونه‌های سنت مشخص نمود. از این‌رو، با مطالعه موردی گزاره‌های فعلی معصوم و در یک تعریف قراردادی می‌توان چنین گفت که: «فعل، هرگونه کنش و واکنش غیر قولی است که در مواجهه با وقایع و مسائل جاری زمان ظهور پیدا می‌کند؛ خواه ایجاد باشد یا امتناعی؛ مستمر و تکرارپذیر باشد یا مقطعی و دفعی».

بر پایه این معنا، فعل معصوم با سیره ایشان متفاوت است و به جهت تعریف و خصوصیت ماهوی با

۱. ر.ک: فیومی، مصباح المنیر، واژه «فعل»؛ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، واژه «فعل».

۲. ر.ک: گیوی، دستور زبان فارسی ۱، ص ۹.

۳. ر.ک: بحر العلوم، الاجتهاد اصوله و احکامه، ص ۶۸؛ فخر رازی، المحصول فی علم اصول الفقه، ج ۳، ص ۲۲۹.

۴. ر.ک: طوسی، اساس الاقتباس، ص ۵۱؛ حلی، الجوهر النضید فی شرح منطق التجرب، ص ۳۱.

یکدیگر فرق می‌کنند. چه، ماده «سیر» بر گذشتن، روان شدن و حرکت کردن دلالت می‌کند^۱ و واژه «سیره» به نوع خاص حرکت انسان و نوع رفتار وی اشاره دارد و در لغت به مذهب، روش، راه و رسم، سلوک و طریقه معنا شده است.^۲ این نکته، در تعریف اصطلاحی سیره نیز مورد توجه بوده و از آن با تعابیری نظیر «منطق عملی» و «سبک و اسلوب رفتار» یاد شده است.^۳ از این رو، به آن دسته از افعال معصوم «سیره» اطلاق می‌گردد که نشان‌دهنده سبک و روش معصوم باشد و آموزه‌های ایشان را حکایت کند؛ بر خلاف فعل که اعم از سیره است و می‌تواند روشمند و دارای سبک و یا بی‌روش و عاری از سبک و اسلوب باشد.

اما «عصری‌سازی» تعبیری نوین‌یاد و کم‌بسامد است که به دلیل عدم وجود سابقه‌ای کهن، تعریف روشنی ندارد. چنان‌که قدیمی‌ترین کاربرد این اصطلاح مربوط به کتاب *عصری‌سازی اندیشه دینی* نوشته عبدالمجید شرفی است که در سال ۱۳۸۲ توسط محمود امجد ترجمه گردید؛ اما زبان اصلی کتاب، عربی و عنوان آن *تحديث الفكر الاسلامي* است؛ به همین خاطر از «عصری‌سازی» به عنوان یک اصطلاح علمی استفاده نشده و تعریف مشخصی از آن ارائه نگردیده است. تنها در برخی مقالات علمی به صورت واژگان هم‌معنا نظیر: معاصر‌سازی،^۴ نوسازی و به‌روزرسانی^۵ به کار رفته است. بر این اساس به نظر می‌رسد که بتوان عصری‌سازی را به جهت واژگانی، «ساخت متناسب با عصر» معنا کرد و به جهت اصطلاحی آن را بازسازی رفتار، احکام و آموزه‌های دینی، هماهنگ با اقتضائات عصر و زمان دانست. بنابراین، منظور از «عصری‌سازی افعال پیامبر ﷺ» به‌روزرسانی افعالی است که در دوره حیات پیامبر ﷺ رواج داشته است و در شرایط جدید مجال تأسی ندارد^۶ و به دلیل «محدودیت تاریخی» نیازمند بازنگری و بازسازی متناسب با اقتضائات زمان است.

مرحله اول: امکان سنجی تأسی به فعل پیامبر ﷺ

نخستین گام برای عصری‌سازی افعال پیامبر ﷺ، بررسی امکان تأسی به فعل پیامبر ﷺ است؛ اینکه آیا اقتدا به فعل پیامبر ﷺ میسر است و یا محدودیتی بر سر راه الگوگیری از آن وجود دارد؟

۱. ابن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، ج ۳، ص ۱۲۰.

۲. دهخدا، *لغتنامه دهخدا*، ذیل ماده «سیر».

۳. مطهری، *مجموعه آثار*، ج ۱۶، ص ۵۹.

۴. ر.ک: پسندیده، «معاصر‌سازی اسوه‌های دینی»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴۲، ص ۱۰۳؛ زارعی، «الگوهای دینی و سازگاری آنها با مقتضیات زمان»، *فلسفه و کلام*، ش ۸۴، ص ۱۰۰.

۵. شفیعی، «بایستگی عصری‌سازی اجتهاد و مؤلفه‌های آن»، *ماهنامه خیمه*، ش ۱۳۷، ص ۱۴.

۶. بدیهی است که آن دسته از افعال پیامبر ﷺ که در روزگار فعلی نیز قابل انجام است (مانند سلام کردن بر کودکان) از موضوع «عصری‌سازی» خارج است و نیازی به بازنگری و مطابقت با مقتضیات عصر جدید ندارد.

چراکه ایده «عصری‌سازی» تنها در شرایطی مطرح می‌شود که تبعیت از فعل پیامبر ﷺ میسر نباشد و نتوان از فعل پیامبر ﷺ همان‌گونه که صادر شده، پیروی کرد؛ در این صورت است که ضرورت تأسی اقتضا می‌کند تا راهکاری برای الگوگیری از افعال پیامبر ﷺ اندیشیده شود و شیوه‌ای برای برون‌رفت از محدودیت موجود در پیش گرفته شود.

محدودیت‌های تأسی به فعل پیامبر ﷺ

برآیند مطالعات سیره‌پژوهی و تحلیل متون رفتارشناسانه پیامبر ﷺ نشان می‌دهد که چهار مؤلفه زمان، مکان، شأن و شخصیت، از مهم‌ترین موانع پیش‌روی تأسی به افعال پیامبر ﷺ است.^۱ «مکان» و موقعیت صدور فعل پیامبر ﷺ یکی از عواملی است که امکان تأسی به افعال پیامبر ﷺ را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ چراکه برخی از افعال پیامبر ﷺ به اقتضای مکان و قلمرو زندگانی ایشان رخ داده است و طبیعتاً انجام آن در دیگر مناطق جغرافیایی مقدور نیست؛ مثلاً پوشیدن لباس بلند و خنک که مخصوص مناطق گرمسیری چون حجاز و عراق بوده است، برای کسی که در مناطق سردسیر زندگی می‌کند ممکن نیست و نمی‌توان با استناد به اینکه پیامبر ﷺ لباس پنبه یا کتان می‌پوشیدند،^۲ آنان را به پوشیدن لباس‌های کتانی یا پنبه‌ای تشویق کرد. همچنین «زمان» و فضای تاریخی صدور فعل، از دیگر محدودیت‌های تأسی به افعال پیامبر ﷺ است که موجب تضییق تأسی به فعل پیامبر ﷺ می‌گردد. چنان‌که هم‌نشینی و هم‌غذاشدن با بردگان^۳ از جمله افعالی است که به اقتضای زمان حیات پیامبر ﷺ رخ داده است و امروزه به دلیل فقدان نظام برده‌داری و نبودن شرایط بردگی امکان پیروی ندارد.^۴ از سوی دیگر، برخی از محدودیت‌های تأسی به فعل پیامبر ﷺ به «شخصیت» ایشان مربوط می‌شود؛ مانند محدودیتی که از شخصیت معنوی و کمال روحی پیامبر ﷺ نشئت گرفته و انجام فعل را برای غیرمعصوم نامقدور می‌سازد؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام بر ناتوانی شیعیان در پیروی از پیامبر ﷺ تصریح کرده و طاقت ایشان در تأسی به حضرت را ناچیز شمرده است.^۵ علاوه بر این، برخی از محدودیت‌های تأسی، به دلیل شئون سیاسی یا اجتماعی پیامبر ﷺ پدید آمده است و امکان تبعیت به افعال حکومتی یا قضایی ایشان را سلب می‌کند؛ افعالی

۱. برای آگاهی بیشتر در این باره ر.ک: عالم‌زاده نوری، *استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم*، ص ۱۹۰ - ۶۹.

۲. ر.ک: کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۴۵۰؛ طبرسی، *مکارم الاخلاق*، ج ۱، ص ۱۰۴.

۳. ر.ک: ابن‌ماجه، *سنن ابن‌ماجه*، ج ۲، ص ۷۷۰؛ ابن‌بابویه، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، ج ۲، ص ۸۱.

۴. ر.ک: کدیور، *مسئله برده‌داری در اسلام معاصر*، ص ۳۷۸ - ۳۶۲.

۵. ر.ک: کلینی، *الکافی*، ج ۸، ص ۱۶۵.

مانند: خراب کردن مسجد ضرار،^۱ قطع درختان یهودیان بنی‌نضیر^۲ و منع عمار یاسر و سلیمان بن خالد از ازدواج موقت^۳ که به دلیل حکومتی بودن جهت صدور، تأسی دیگران به آنها ممکن نیست؛ و یا محدودیتی که به جهت شأن اختصاصی پیامبر ﷺ رخ داده است و اجازه پیروی از برخی افعال ایشان را به دیگران نمی‌دهد؛ مانند جواز عقد دائم با بیش از چهار زن یا روزه وصال^۴ که مخصوص پیامبر ﷺ بوده و امکان اقتدای دیگران به آن وجود ندارد.

اما سؤالی که در اینجا مطرح می‌گردد آن است که با توجه به محدودیت‌های پیش‌گفته و تنگناهای موجود بر سر راه تأسی به فعل پیامبر ﷺ، تکلیف مخاطب نسبت به این دست از افعال چیست؟ آیا باید از انجام فعل پیامبر ﷺ صرف‌نظر کرد و یا روش دیگری را برای تأسی برگزید؟ بدیهی است که تأسی به افعال پیامبر ﷺ و وظیفه‌ای دینی است که با پدید آمدن برخی موانع، منتفی یا متوقف نمی‌شود بلکه از یک روش به روش دیگر انتقال می‌یابد؛ چه، تأسی به افعال پیامبر ﷺ دو گونه متفاوت دارد که در صورت ایجاد محدودیت در نوع اول، به تأسی نوع دوم روی آورده می‌شود: نخست، تأسی به عین فعل پیامبر ﷺ و انجام مطابقی آن است و دوم، تأسی به مضمون و پیام فعل پیامبر ﷺ و انجام معادل آن. به دیگر سخن، افعالی که از پیامبر ﷺ صادر شده است یا محدود به مکان و زمان، فرهنگ خاصی نیست و برای همگان قابلیت پیروی دارد که در این صورت، امکان تأسی مستقیم به فعل پیامبر ﷺ وجود دارد و می‌توان عین رفتار ایشان را انجام داد، مانند: سلام کردن بر کودکان^۵ و امتناع از دمیدن در غذای گرم^۶ یا در یکی از تنگناهای تاریخی، جغرافیایی و یا فرهنگی گرفتار می‌آید و امکان تأسی مستقیم به آن وجود ندارد که در این صورت، باید محتوا و پیام فعل پیامبر ﷺ را اخذ نمود و آن را ملاک عمل قرار داد، مانند: سرمه کشیدن بر چشم^۷ و عدم ذخیره‌سازی آذوقه.^۸ بنابراین تمام افعال صادره از پیامبر ﷺ قابلیت تأسی و پیروی دارند و می‌توان از آنها در اداره زندگی الگو گرفت؛ تنها نوع تأسی و روش پیروی از آنها متفاوت است که می‌بایست

۱. طبرسی، *مجمع البیان*، ج ۵، ص ۱۱۰.

۲. طبری، *جامع البیان*، ج ۲۸، ص ۲۳.

۳. عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۲۱، ص ۱۲ و ۲۳.

۴. منظور از «روزه وصال» روزه‌ای است که فرد بدون خوردن سحری، افطارش را به افطار روز بعد وصل کند. ر.ک:

طوسی، *المبسوط*، ج ۴، ص ۱۵۳؛ حلی، *مختلف الشیعه*، ج ۳، ص ۵۰۷.

۵. ر.ک: ابن بابویه، *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۸۱.

۶. ر.ک: ابوداود، *سنن ابی‌داود*، ج ۳، ص ۳۶۲.

۷. ر.ک: کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۴۹۵.

۸. ر.ک: ترمذی، *سنن الترمذی*، ج ۴، ص ۵۸۰.

به‌حسبِ افعال پیامبر ﷺ انتخاب گردد؛ چنان‌که اگر فعلی رها و عاری از محدودیت باشد، به‌روش مستقیم و مطابقی بدان اقتدا می‌شود و اگر فعلی در بند و محدود به شرایط باشد، به‌روش مُستتنبط و تضمینی از آن تبعیت می‌گردد.

مرحله دوم: احراز محدودیت تاریخی در فعل پیامبر ﷺ

گفته آمد که تأسی به افعال پیامبر ﷺ گاه با محدودیت‌هایی مواجه است که مانع از انجام مطابقی و تبعیت مستقیم از آن می‌گردد. در این شرایط، لازم است تا رویه دیگری برای الگوگیری از افعال ایشان اندیشیده شود و شیوه متفاوتی برای خروج از محدودیت موجود در نظر گرفته شود. لکن محدودیتی که زمینه کارایی عصری‌سازی را فراهم می‌آورد و در واقع، قلمرو کارکرد عصری‌سازی به حساب می‌آید، «محدودیت تاریخی» است. براین اساس، دومین مرحله برای عصری‌سازی افعال پیامبر ﷺ، احراز محدودیت تاریخی افعال پیامبر ﷺ است که از طریق غربال‌گری موانع تأسی و کشف نشانه‌های تاریخی آنها انجام می‌گیرد. منظور از «محدودیت تاریخی» تنگنا و مضیق‌ه‌ای است که به‌جهت فاصله‌زانی میان معصوم و مخاطب ایجاد شده است و در حقیقت از تفاوت تاریخ «صدور فعل» با تاریخ «عمل به فعل» ناشی می‌شود. به‌بیان دیگر، منظور از «تاریخی بودن» آن است که فعل معصوم زمان‌دار و موسمی باشد و انجام آن بسته به شرایط و اقتضائات زمان تغییر یابد، به‌طوری‌که گاه در شرایطی مقدور گردد و گاه در شرایطی دیگر نامیسور. البته باید افزود که این ویژگی درباره سیره پیامبر ﷺ متفاوت است و سیره حضرت در عین وابستگی تاریخی، توانایی فرارفتن از محیط پیرامونی خود را دارد و می‌تواند در موقعیت زمانی جدید نیز جاری شود. زیرا، تاریخت سیره پیامبر ﷺ امر ذاتی و درونی آن نیست که نتوان از آن تفکیک کرد، بلکه امری عارضی و بیرونی است که بدون تأثیر در هویت قدسی سیره پیامبر ﷺ، در ظرف زمان خود نقش ایفا می‌کند. مهم‌ترین دلیل بر فرا تاریخی بودن سیره پیامبر ﷺ، باور به جاودانگی شریعت است که در متون بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان‌که در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است:

زراره گوید: از امام صادق علیه السلام درباره حلال و حرام پرسیدم، فرمود:

حلال محمد صلی الله علیه و آله برای همیشه تا روز قیامت حلال خواهد بود و حرام محمد صلی الله علیه و آله برای همیشه تا روز قیامت حرام خواهد بود؛ هیچ‌یک تبدیل به غیر نمی‌شود و غیر آن هم نمی‌آید.^۱

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۵۸.

جاودانگی شریعت اقتضا می‌کند احکام و آموزه‌های اسلام برای همیشه و همه مخاطبان کارایی داشته باشد و صدور آن در یک موقعیت زمانی مشخص، مانع از نفوذ آن در موقعیت‌های دیگر نگردد. از این رو، جاودانگی شریعت با تاریخمندی سپهر سازگاری ندارد و باور به مانایی آموزه‌های اسلام، زمان‌دار بودن و تاریخی بودن آن را برنمی‌تابد.

۱. مراتب محدودیت تاریخی

این نوع از محدودیت همیشه یکسان و یکنواخت نیست و بسته به خصوصیات فعل پیامبر ﷺ مراتب و گونه‌های مختلفی دارد. چنان‌که به‌جهت «میزان محدودیت» به دو گونه «تام» و «ناقص» تقسیم می‌شود؛ بدین معنا که محدودیت تأسی به فعل معصوم، گاه به صورت تمام و کمال، دستیابی به فعل معصوم را مسدود می‌کند، مانند: «اقدام شخصی و بی‌واسطه در برآوردن حاجات مردم» که با توجه به شمار زیاد افراد و کثرت مراجعات، انجام آن برای غیرمعصوم ناممکن است، و گاه به صورت ناقص و ناتمام انجام فعل معصوم را با مضیقه مواجه می‌سازد، مانند: «قراردادن صدقه در دست نیازمند» که با توجه به تعداد زیاد فقرا و وجود افراد شیاد و دروغ‌گو، احتمال انجام آن برای غیرمعصوم بعید است اما اصل انجام آن شدنی و ممکن است.

از طرفی، به‌جهت «دامنه محدودیت» نیز بر دو گونه متفاوت قرار می‌گیرند: افعالی که برای همه افراد عصر جدید ناشدنی است (مانند هم‌نشینی با بردگان و هم‌غذاشدن با آنان) و افعالی که برای بعضی از افراد جامعه نامقدور و برای بعض دیگر میسر است (مانند نگهداری خروس سفید یا گوسفندچرانی که معمولاً برای روستائیان امکان‌پذیر است). حال پرسشی که در اینجا مطرح می‌گردد آن است که آیا افعال گونه دوم نیز موضوع عصری‌سازی قرار می‌گیرد؟ یعنی اگر فعل پیامبر ﷺ در زمانه‌ای، برای گروهی ممکن و برای گروهی ناممکن باشد، آیا باز مشمول عصری‌سازی می‌شود؟ پاسخ سؤال، مثبت است؛ زیرا تأسی به فعل پیامبر ﷺ وظیفه‌ای عام است و افرادی که انجام فعل پیامبر ﷺ برایشان مقدور نیست نیز ملزم به تأسی هستند، هرچند گروه دیگری در همان دوره بتوانند به فعل ایشان اقتدا کنند؛ به طوری که وقتی روستائیان می‌توانند عین فعل پیامبر ﷺ را انجام دهند و مثلاً به شبانی بپردازند، تکلیف کسانی که زندگی شهری دارند ساقط نمی‌شود و ایشان نیز باید برای تأسی به فعل پیامبر ﷺ تلاش کنند.

۲. اقسام محدودیت تاریخی

محدودیت تاریخی تأسی به افعال پیامبر ﷺ گونه‌های مختلفی دارد و با توجه به تنیدگی عنصر

«زمان» با دو عاملِ موضوع و فرهنگ پدید می‌آید. به بیان دیگر، زمان دار بودن موضوعِ فعل و فرهنگ زمانه فعل، دو ویژگی مهمی است که تاریخی بودن محدودیت تأسی به افعال پیامبر ﷺ را نشان می‌دهد و موجب تشخیص عرصه و قلمرو عصری‌سازی می‌گردد.

یک. محدودیت زمانی موضوع فعل

برخی از محدودیت‌های تاریخی، به زمان «موضوع فعل» مربوط می‌شود و چون موضوع فعل، محدود به یک برهه خاص است، انجام آن در موقعیت‌های دیگر با دشواری همراه است. مثلاً سوار شدن بر الاغ بی‌پالان از جمله افعالی است که به‌عنوان سنت پیامبر ﷺ شناخته شده است.^۱ لکن با گذشت زمان و ارتقای امکانات و تغییر مرکب از چهارپا به وسایل نقلیه، دیگر مجال پیروی از فعل یاد شده وجود ندارد و به‌ندرت می‌توان به عین فعل پیامبر ﷺ اقتدا کرد. دلیل این محدودیت، انقضای زمان موضوع فعل پیامبر ﷺ است که تا دوره‌ای مشخص متداول بود و در عصر حاضر، رواج ندارد. به بیان دیگر، موضوع فعل پیامبر ﷺ «مرکب چهارپا» بوده است که زمان کارکرد آن به پایان رسید و در شرایط حاضر، به وسایل نقلیه تغییر پیدا کرده است. بهره‌گیری از سلاح‌های آهنین^۲ از دیگر افعال پیامبر ﷺ است که محدودیت تأسی به آنها به زمان‌داری موضوع فعل باز می‌گردد.

دو. محدودیت فرهنگ زمانه فعل

برخی دیگر از محدودیت‌های تاریخی، ریشه در «فرهنگ زمانه فعل» دارد و به خاطر تفاوت عُرُف زمان مخاطب با فرهنگ حاکم بر فعل اتفاق می‌افتد.^۳ چنان‌که لیسیدن ظرف و دست بعد از صرف غذا، از جمله افعالی است که پیامبر ﷺ انجام می‌دادند و بر آن مواظبت می‌نمودند؛^۴ لکن این فعل در دوره کنونی و برای مخاطب امروز مطلوب نیست و تأسی به آنها با محدودیت مواجه است. دلیل این محدودیت، تغییر فرهنگ زمانه است که موجب گردید بار ارزشی افعال یاد شده تغییر یابد و پذیرش آن برای مخاطب امروز دشوار گردد. چراکه آداب پیش‌گفته در زمان پیامبر ﷺ، نشانه شکرگزاری و تکریم روزی بود و فعل یاد شده سبب می‌گردید تا از اسراف و هدر رفت غذا جلوگیری شود، اما در دوره‌های پسین، مصادیق فروتنی نسبت به نعمتِ طعام تغییر یافت و فرهنگِ صرفه‌جویی در شکل و

۱. ر.ک: ابن‌بابویه، *عیون اخبار الرضا*، ج ۲، ص ۸۱.

۲. ر.ک: کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۴۶۲ و ۴۷۵ و ج ۸، ص ۳۳۱.

۳. منظور از «فرهنگ» در اینجا، اعم از عُرُف، عادات، آداب و آیین‌ها و باورهای محلی است که رفتار معصوم در آن شکل گرفته است.

۴. ر.ک: طبرسی، *مکارم الأخلاق*، ص ۳۰؛ برقی، *المحاسن*، ج ۲، ص ۴۴۳.

قالب‌های جدید ظهور نمود. عدم حمل آذوقه برای خانواده،^۱ پوشیدن لباس زبر و خشن^۲ و کشیدن سرمه بر چشم،^۳ از دیگر افعال معصوم است که محدودیت تأسی به آنها به دلیل تغییر فرهنگ زمانه رخ داده است.^۴

مرحله سوم: تشخیص آموزه متغیر در فعل پیامبر ﷺ

افعالی که از پیامبر ﷺ صادر شده است به جهت گستره کارایی و دامنه تأثیرگذاری به دو گونه ثابت و متغیر تقسیم می‌شود. مراد از «افعال ثابت»، افعالی است که حاوی آموزه‌های ثابت، پایدار و همیشگی باشد و مقصود از «افعال متغیر»، افعالی است که در بردارنده آموزه‌های متغیر، شناور و موقعیتی است.^۵ بر همین اساس، باید افزود که همه افعال پیامبر ﷺ قابل عصری‌سازی نیستند و امکان تطبیق بر مصادیق روز را ندارند؛ زیرا آن دسته از افعال پیامبر ﷺ که در بردارنده آموزه‌های ثابت و زمان شمولند، باید همیشه و همه‌جا انجام گیرند و فارغ از موقعیت زمانی و بدون وابستگی محیطی تحقق یابند؛ مانند نماز خواندن، حج گزاردن، انفاق کردن و صلح رحم؛ بر خلاف افعالی مانند «باز کردن فرق موی سر»^۶ که انجام آنها در گرو زمان و مکان است و متناسب با اقتضائات فرهنگی و مناسبات محیطی شکل می‌گیرند. بنابراین لازم است تا علاوه بر سنجش امکان تأسی و نوع محدودیت، گونه فعل پیامبر ﷺ به جهت ثابت یا متغیر بودن نیز سنجیده شود و ظرفیت افعال پیامبر ﷺ به حسب قلمرو کارایی نیز احراز گردد. برای این منظور، می‌بایست باتوجه به ملاک‌های بازشناسی آموزه‌های متغیر از ثابت، به بررسی افعال پیامبر ﷺ پرداخت و فعل متغیر ایشان را تعیین کرد.

بررسی دیدگاه‌های مختلف چنین به دست می‌دهد که سه ویژگی تأثیرگذار در موضوع فعل از قرار: جسمانی بودن، تاریخی بودن و مصداقی بودن، ملاک تشخیص آموزه‌های متغیر از ثابت است و با در نظر گرفتن این خصوصیات می‌توان رفتارهای ثابت از متغیر پیامبر ﷺ را تمییز داد. بر پایه

۱. ر.ک: کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۲۳.

۲. ر.ک: طبرسی، *مکارم الأخلاق*، ج ۱، ص ۹۸.

۳. ر.ک: *الکافی*، ج ۶، ص ۴۹۵.

۴. البته این نکته، به معنای رجحان مدرنیته و سبک زندگی معاصر نیست و به هیچ‌روی، عرف زمان و فرهنگ مخاطب را ملاک دین‌داری نمی‌شمارد، بلکه تنها بر عرفی بودن سیره معصومان و معاشرت ایشان مطابق با دوره زمانی خود تأکید دارد. افزون بر آنکه در برخی موارد، شایسته است به جای عصری‌سازی رفتار معصوم مطابق فرهنگ جدید، به فرهنگ‌سازی مخاطب روی آورد و وی را به پیروی از رفتار ایشان واداشت.

۵. ر.ک: علی‌اکبریان، *معیارهای بازشناسی احکام ثابت و متغیر در روایات*، ج ۱، ص ۲۸.

۶. ر.ک: کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۴۸۵.

دیدگاه نخست، موضوعاتی که به روح و فطرت انسان باز می‌گردد از آموزه‌های ثابت است و موضوعاتی که از جسم و طبیعت انسان نشئت می‌گیرد از آموزه‌های متغیر است.^۱ به بیان دیگر، آن دسته از موضوعاتی که به پرورش فطرت آدمی و تربیت روحانی انسان مربوط می‌شود جزو آموزه‌های ثابت و غیرقابل‌تغییر است و آن دسته از موضوعاتی که به رابطه انسان با طبیعت می‌پردازد و از چگونگی اجرای قوانین ثابت سخن می‌گوید، جزو آموزه‌های متغیر و ناپایدار محسوب می‌گردد. برای نمونه، رفتارهایی که به نظام تشریح و آموزه‌های توحیدی همچون نماز، حج و جهاد مربوط می‌شود جزو آموزه‌های ثابت و مستمر است و رفتارهایی همچون خوردن و خوابیدن که به خلقت و اقتضائات بشری انسان باز می‌گردد جزو آموزه‌های متغیر و ناپایدار است.

بر اساس دیدگاه دوم، ملاک تشخیص آموزه‌های ثابت از متغیر، گستره تاریخی آن است و چنان که موضوعی فرا زمانی و جهان‌شمول باشد جزو آموزه‌های ثابت تلقی می‌شود و اگر موضوعی تاریخی و وابسته به موقعیتی خاص باشد متغیر به حساب می‌آید. به‌دیگر سخن، آموزه ثابت آموزه‌ای است که در همه مکان‌ها و زمان‌ها استمرار دارد و شرایط عصری و محیطی تغییری در آن ایجاد نمی‌کند، اما آموزه متغیر، فاقد پایداری و پیوستگی است و بسته به اقتضائات زمان و مکان دگرگون می‌گردد.^۲ برای مثال، رفتارهایی که بر پایه بینش و منش انسانی همچون عدالت‌ورزی و ظلم‌ستیزی شکل می‌یابد، ثابت و مستمر است و رفتارهایی که متناسب با اقتضائات فرهنگی و محیطی مانند: بهداشت، ازدواج و تدفین انجام می‌گیرد متغیر و مقطعی است.

اما در دیدگاه سوم، ملاک تفکیک آموزه‌های ثابت از متغیر، کلی یا جزئی بودن عنوان افعال است؛ بدین معنا که اگر رفتار پیامبر ﷺ موضوعی کلی و فراگیر باشد، آموزه ثابت به حساب می‌آید و اگر رفتار پیامبر ﷺ، مصداقی جزئی و عینی باشد آموزه متغیر محسوب می‌شود.^۳ برای نمونه، «ساده زیستی» یک موضوع رفتاری است که دارای مصادیق و افراد متعددی همچون: خوردن نان جو،^۴ پوشیدن لباس خشن،^۵ رفوگری کفش با دست و سوار شدن بر الاغ بی‌پالان است.^۶

اینک، با در نظر گرفتن ویژگی‌های یاد شده می‌توان مرز بین آموزه‌های ثابت و متغیر افعال

۱. جواد آملی، *ولایت فقیه، رهبری در اسلام*، ص ۹۱.

۲. ر.ک: سروش، *مدارا و مدیریت*، ص ۵.

۳. ر.ک: علی‌اکبریان، *معیارهای بازشناسی احکام ثابت و متغیر در روایات*، ج ۱، ص ۲۸.

۴. ر.ک: کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۱۳۷.

۵. ر.ک: بخاری، *صحیح البخاری*، ج ۵، ص ۲۱۹۰.

۶. ر.ک: سید رضی، *نهج البلاغه*، خطبه ۱۶۰.

پیامبر ﷺ را تشخیص داد و با قرار دادن فعل پیامبر ﷺ در ذیل هر یک از آنها، موجب شناخت دامنه کارآمدی آن گردید. از این رو، باید گفت که افعالی که جزو آموزه‌های ثابت دین به حساب می‌آیند قابلیت عصری‌سازی ندارند و تنها افعالی که به‌عنوان آموزه‌های متغیر شناخته می‌شوند، می‌توانند عصری و به‌روز شوند.

مرحله چهارم: کشف مقصود فعل پیامبر ﷺ

با در نظر گرفتن مراحل پیش‌گفته، اکنون با افعالی مواجه‌ایم که به‌دلیل محدودیت تاریخی، امکان تأسی مطابقی ندارند؛ در چنین شرایطی که راه متداول اخذ به فعل پیامبر ﷺ محدود بوده و اقتدای به فعل حضرت با دشواری همراه است، برای الگوگیری از افعال پیامبر ﷺ باید به درون مایه و لایه‌های باطنی فعل پیامبر ﷺ راه یافت و به‌کمک آن از تنگناهای ظاهری تأسی عبور کرد؛ برای این منظور، لازم است تا با کشف پیام اصلی و مضمون بنیادین فعل، از حصار زمان و مکان خارج گردید و قابلیت جریان بر دوره‌های دیگر را به آن بخشید. از این رو، چهارمین گام برای عصری‌سازی افعال پیامبر ﷺ، «کشف مقصود فعل پیامبر ﷺ»^۱ است که موجب توسعه کارکرد افعال پیامبر ﷺ و افزایش قابلیت تأسی به آن می‌گردد.

۱. روش‌شناسی کشف مقصود فعل

مطالعه روش‌شناختی مباحث همسو با تحلیل عصری افعال پیامبر ﷺ^۲ چنین به‌دست می‌دهد که عمده روش‌هایی که می‌توان در کشف مقصود افعال پیامبر ﷺ به کار گرفت، روش‌هایی است که به‌عنوان «مسالك العلة» یا طُرُق کشف ملاک احکام شناخته می‌شود. از این رو، شایسته است تا در ادامه به بررسی چند نمونه از مهم‌ترین این روش‌ها بپردازیم.

نخستین روش برای دریافت فلسفه احکام یا منطق رفتار، نصّ آیات و روایات است که با تصریح به علت، حکمت یا مصلحت، به فهم مقصود از احکام الهی رهنمون می‌شود. این مرحله که خود شامل دو گونه «ادات نصّ» و «متون نصّ» است،^۳ از معتبرترین شیوه‌هایی است که به‌کمک آن

۱. مراد از «مقصود رفتار»، هدفی است که معصوم به‌خاطر آن دست به انجام فعل زده است.

۲. مباحثی نظیر: غرض سُوْر قرآن، مقاصد الشریعه و علل احکام. برای آگاهی بیشتر در این باره ر.ک: خامه‌گر، اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن؛ علی‌اکبریان، درآمدی بر فلسفه احکام: کارکردها و راه‌های شناخت؛ ایازی، ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن.

۳. ر.ک: علی‌اکبریان، درآمدی بر فلسفه احکام، ص ۳۱۸.

می‌توان به مقصود افعال پیامبر ﷺ نیز دست یافت. مقصود از «أدات نص»، الفاظی است که بر علت بودن مدخول خود دلالت می‌کند، مانند: «کی»، «إذن»، «من أجل» و «لام تعلیل» که با قرار گرفتن بر سر کلمه، آن را به‌عنوان دلیل حکم معرفی می‌کند؛ مثلاً، در جمله «الخمیر حرام لآنه مسکر»، لام تعلیل نشان‌دهنده آن است که علت حرمت شراب، مست‌کنندگی است. اما منظور از «متون نص»، عبارات و جملاتی است که به علت یا حکمت حکم تصریح دارد؛ مانند این حدیث امیرالمؤمنین علیه السلام که به‌روشنی به علت یا حکمت برخی از احکام الهی تصریح کرده است:

خدا ایمان را واجب کرد برای پاکی از شرک ورزیدن، و نماز را برای پرهیز از خود بزرگ دیدن، و زکات را تا موجب فزونی روزی شود، و روزه را تا اخلاص آفریدگان آزموده گردد.^۱

دومین روشی که برای کشف علل احکام در پیش گرفته شده است «تنقیح مناط» است که از میان اوصاف مذکور در حکم، اوصاف دخیل در علت حکم را شناسایی و جدا می‌کند. به‌بیان دیگر، تنقیح مناط با منقح و مشخص نمودن علت حکم، اوصافی که دخالتی در حکم ندارند را خارج می‌سازد.^۲ برای نمونه، شهید ثانی پس از فتوای شهید اول به کراهت نماز خواندن به سوی مصحف یا درب گشوده می‌نویسد:

به این حکم ملحق می‌شود توجه کردن به هر چیزی که انسان را به خود مشغول سازد مانند: نقاشی و نوشته، و عیبی در این فتوا نیست.^۳

پُر واضح است که شهید ثانی با تمسک به روش تنقیح مناط، علت کراهت را «توجه به هر امر مشغول کننده» دانسته است و با صرف نظر از دیگر اوصاف وابسته به حکم مانند: شخص نمازگزار، محل نمازگزار و موضوع اشتغال، دامنه حکم را تعمیم داده است.

سومین روشی که برای کشف ملاک احکام به کار گرفته شده است، «استقراء» است که از طریق تتبع در جزئیات، به حکم کلی دست می‌یابد. در واقع، استقراء جستجوی در شمار بسیاری از مصادیق و افراد حکم است که در جهت‌گیری و وجه حکم، اشتراک دارند؛ این وجه اشتراک، فقیه را به ملاک حکم رهنمون می‌سازد.^۴

۱. سید رضی، *نهج البلاغه*، حکمت ۲۵۲.

۲. ر.ک: زرکشی، *البحر المحیط فی اصول الفقه*، ج ۵، ص ۲۵۵؛ میرزای قمی، *قوانین الاصول*، ج ۲، ص ۸۵.

۳. شهید ثانی، *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة*، ج ۱، ص ۲۲۴.

۴. ر.ک: صدر، *المعالم الجدیة للأصول*، ص ۲۰۳.

برای نمونه، با جستجو در میان بسیاری از احکام شرعی متوجه می‌شویم که جهل و نادانی موجب معذوریت مکلف است؛ از این رو نتیجه می‌گیریم که «جهل» ملاک معذوریت بوده و قابلیت سرایت به دیگر احکام الهی را دارد.^۱ البته تعریف یاد شده از «استقراء»، بر اساس دانش اصول فقه صورت گرفته است و با تعریف «استقراء» در دانش منطق متفاوت است. مهم‌ترین تفاوت دو اصطلاح یاد شده آن است که استقراء منطقی به دو قسم تام و ناقص تقسیم می‌شود ولی استقراء اصولی منحصر در استقراء ناقص است و استقرای تام در احکام شرعی قابل دست‌یابی نیست.^۲

چهارمین روشی که برای کشف مناط احکام در نظر گرفته شده است، «قیاس» است که معمول‌ترین کاربرد آن، عملیات مساوات فرع با اصل در علت حکم شرعی است. به بیان دقیق‌تر، منظور از قیاس، تسری دادن حکم اصل به فرع بر اساس علت واحدی است که در هر دو وجود دارد.^۳ برای نمونه، شیخ طوسی برای تعیین دیه دندانی که قدرت جویدن ندارد، به دیه دست شلی قیاس کرده است که توان انجام کار ندارد:

اگر بر دست کسی جنایتی وارد شود که باعث شل شدن آن شود و توان انجام کار با آن دست سلب گردد، جانی باید دیه کامل یک دست سالم را بپردازد؛ همچنین است دیه دندانی که تمام منافع آن از بین برود به طوری که قدرت جویدن غذا از آن سلب شود، جانی باید دیه کامل یک دندان سالم را بپردازد.^۴

با این همه، روش‌های یاد شده - به غیر از روش نخست - در کشف مقصود افعال پیامبر ﷺ مؤثر نیستند و به دلیل تفاوت حوزه کارایی، چندان در دریافت مقصود افعال پیامبر ﷺ به کار نمی‌آیند؛ از این رو لازم است با تکیه بر روش نخست و به کمک قراین متن محوری همچون: بافت متن، سازگاری درون‌متنی، سازواری برون‌متنی، تحلیل محتوا و ساخت‌گرایی، به شناسایی مقصود افعال پیامبر ﷺ دست یازید.

۲. نمونه کشف مقصود فعل پیامبر ﷺ

برای نمونه، برخی از آداب خورد و نوش پیامبر ﷺ همچون: غذا خوردن با سه انگشت،^۵ امتناع از

۱. ر.ک: همو، *دروس فی علم الاصول*، الحلقة الثانية، ص ۳۰۵.

۲. ر.ک: میرزای قمی، *قوانین الاصول*، ج ۳، ص ۱۷۸.

۳. ر.ک: سعدی، *مباحث العلة فی القیاس*، ص ۱۵؛ ایازی، *ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن*، ص ۴۰۷.

۴. طوسی، *المبسوط*، ج ۷، ص ۱۴۱.

۵. ر.ک: کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۲۹۷.

خوردن دو نوع غذا با هم،^۱ پرهیز از غذا خوردن در حال تکیه^۲ و پرهیز از خوردن غذا بر سر خوان،^۳ از جمله افعالی است که به دلیل تفاوت فرهنگ و فاصله تاریخی، مجال تأسی مستقیم ندارد. با این همه، علت یاد شده تنها نسبت به برون مایه افعال پیامبر ﷺ محدودیت ایجاد کرده و پیروی از آن را در تنگنا قرار داده است، ولی نسبت به درون مایه افعال پیامبر ﷺ محذوری پدید نیآورده و مانعی بر سر راه عمل به مُفاد فعل قرار نداده است. چه، با گردآوری متون مرتبط و شناسایی نصوص روایی، در می‌یابیم که مقصود پیامبر ﷺ از افعال یاد شده «تواضع و فروتنی» بوده است و غایت اصلی از انجام آداب پیش گفته، پرهیز از «فعل متکبرانه» است. چنان که فعل پیامبر ﷺ در غذا خوردن با سه انگشت، به دلیل پرهیز از فعل متکبرانه سلاطینی بود که با یک یا دو انگشت غذا می‌خوردند^۴ و خودداری پیامبر ﷺ از نوشیدن شیر آمیخته با عسل نیز به دلیل رعایت تواضع برای خداوند بوده است.^۵ همچنین امتناع پیامبر ﷺ از تکیه دادن در حال غذا و پرهیز ایشان از خوردن غذا بر روی خوان از دیگر افعالی است که به خاطر رعایت فروتنی و پرهیز از تشبّه به پادشاهان انجام می‌گرفته است.^۶ به‌واقع، شناخت قراین و قیودی که در ذیل گزارش فعل پیامبر ﷺ می‌آید و بر علت یا حکمت فعل ایشان دلالت می‌کند، از جمله طرقی است که ما را به کشف مقصود فعل پیامبر ﷺ هدایت می‌نماید.

مرحله پنجم: بازسازی فعل پیامبر ﷺ

شناخت مقصود افعال پیامبر ﷺ، مسیر عصری‌سازی افعال پیامبر ﷺ را هموار ساخته و فرایند تحلیل عصری آن را کوتاه می‌نماید، لکن برای نیل به الگویی روزآمد از افعال حضرت، به گام پنجمی نیاز است که چرخه عصری‌سازی را کامل کند. برای این منظور، آن دسته از موضوعات که به‌عنوان مقصود افعال پیامبر ﷺ شناخته شده‌اند را بر عصر حاضر عرضه می‌داریم و بر پایه منطقی مشخص، افعال پیامبر ﷺ را بازسازی می‌کنیم. منظور از بازسازی افعال پیامبر ﷺ، خوانش دوباره

۱. ر.ک: برقی، *المحاسن*، ج ۲، ص ۴۰۹.

۲. ر.ک: همان، ص ۴۵۷.

۳. ر.ک: بخاری، *صحیح البخاری*، ج ۹، ص ۳۱. «خوان» چیزی بزرگتر از سفره و معمولاً از جنس چوب است که بزرگان و اشراف قوم بر روی آن غذا می‌خوردند. (ر.ک: مجلسی، *بحار الانوار*، ج ۶۳، ص ۴۲۴)

۴. ر.ک: کلینی، *الکافی*، ج ۶، ص ۲۹۷.

۵. ر.ک: برقی، *المحاسن*، ج ۲، ص ۴۰۹.

۶. ر.ک: بخاری، *صحیح البخاری*، ج ۹، ص ۳۱.

افعال پیامبر ﷺ در بستر زمانی جدید و تجسم آن در قالب افعال متعارف، متداول و به‌روز است. یکی از راه‌های بازسازی افعال پیامبر ﷺ، تطبیق فعل پیامبر ﷺ بر مصادیق امروزی و تعیین مصداق جدید برای فعل ایشان است. بدین معنا که از خلال مقایسه فعل پیامبر ﷺ با مصادیق روز و شناسایی نمونه‌های همانند، یکی از افعال رایج در زمان حال را به‌عنوان جانشین فعل پیامبر ﷺ انتخاب می‌کنیم. برای مثال، سوار شدن بر الاغ بی‌پالان، یکی از سنن پنج‌گانه پیامبر ﷺ است که به‌منظور ترویج فرهنگ تواضع و فروتنی انجام می‌گرفته است.^۱ لکن باتوجه‌به شرایط امروز و پیشرفت تجهیزات نقل و انتقال، تأسی به فعل یاد شده مرسوم نیست و می‌بایست مصداق دیگری را برای نشان دادن روحیه تواضع برگزید. از این‌رو، باتوجه‌به وسایل رایج در عصر حاضر و نیز اقتضائات اجتماعی و اقتصادی مرکب پیامبر ﷺ، سوار شدن بر خودروهایی چون پیکان، پراید و ... مصداق مناسبی برای مفهوم تواضع به‌حساب آید؛ خصوصاً آنکه مقتضای شأن حکومتی پیامبر ﷺ - که می‌باید در سطح طبقات کم‌برخوردار جامعه باشد - نیز با مصداق پیشنهادی سازگار است. در حقیقت با این روش، مصداق تواضع از فعل «سوار شدن بر الاغ» در زمان صدور، به فعل «سوار شدن بر پراید» در زمان مخاطب تغییر می‌یابد و باتوجه‌به شرایط زمان بازسازی می‌گردد. همچنین هم‌غذا شدن با بردگان، فعل دیگری است که پیامبر ﷺ به‌منظور رواج منش تواضع انجام می‌داد و بر آن مداومت می‌ورزید.^۲ لکن این فعل نیز به‌دلیل فقدان نظام برده‌داری و نبود شرایط بردگی در عصر حاضر امکان پیروی ندارد. بر این اساس، می‌توان هم‌غذا شدن با فقرا و نیازمندان را - که در راستای هم‌سفره شدن با بردگان است - به‌عنوان مصداق جایگزین فعل پیامبر ﷺ پیشنهاد داد.^۳ افزون بر آن، «دوشیدن شیر بز» نیز که با توجه به اقتضائات زمان پیامبر ﷺ انجام می‌گرفت^۴ و در حال حاضر به‌صورت فراگیر امکان تأسی ندارد، با افعالی چون «طبخ و تهیه طعام اهل‌خانه» قابل عصری‌سازی است و می‌توان با این دست از افعال جایگزین نمود.^۵ چراکه «دوشیدن شیر بز» معمولاً وظیفه خادمان و کنیزان بود و کاری حقیر و ساده به‌شمار می‌آمد، از این‌رو با افعالی سازگاری دارد که متناسب با طبقه فرودست باشد و خوی فروتنی را نشان دهد.

۱. ر.ک: سید رضی، *نهج البلاغه*، خطبه ۱۶۰؛ طبرسی، *مکارم الأخلاق*، ج ۱، ص ۶۳؛ ابن بابویه، *عیون اخبار الرضا* ﷺ،

ج ۲، ص ۸۱.

۲. همان.

۳. ر.ک: طوسی، *امالی طوسی*، ص ۵۳۸.

۴. ر.ک: ابن بابویه، *عیون اخبار الرضا* ﷺ، ج ۲، ص ۸۱.

۵. افعالی که می‌تواند حکایت از انجام امور شخصی در خانه داشته باشد و امروزه نیز قابلیت تأسی دارد.

البته بازسازی افعال پیامبر ﷺ همیشه ممکن نیست و بسته به شرایط وقت و ویژگی‌های فعلی پیامبر ﷺ تغییر می‌کند؛ برای مثال، فعل پیامبر ﷺ در پوشیدن لباس پشمی - که به منظور زیست متواضعانه و همسانی با طبقه فرودست جامعه انجام شده است - در عصر حاضر مصداق مشخص و روشنی ندارد و بازسازی آن امکان‌پذیر نیست. چراکه، جنس پشمینه در دوره پیامبر ﷺ، پوشش فقرا و نیازمندان بود و نشانه ساده زیستی به‌شمار می‌رفت، اما امروزه علاوه بر جنس لباس، عوامل دیگری چون رنگ، دوخت، قیمت و برند نیز در تعیین سطح اجتماعی و اقتصادی لباس دخالت دارد و نمی‌توان یک لباس مشخص را مصداق تواضع برشمرد و آن را جایگزین پوشش پیامبر ﷺ معرفی کرد.^۱ با این همه، با عرضه افعال پیامبر ﷺ بر زمان حاضر و در پیش گرفتن برخی روش‌های کارآمد، می‌توان شماری از افعال ایشان را بازسازی کرد و متناسب با اقتضات زمان به احیای دوباره آن پرداخت.

نتیجه

افعال پیامبر ﷺ مطابق با شرایط و اقتضات دوره حضور شکل گرفته است و این، امکان الگوگیری را برای مخاطبی که در دوره معاصر زندگی می‌کند دشوار می‌سازد. از این رو، برای بهره‌گیری از افعال پیامبری که در فاصله ۱۴۰۰ ساله با مخاطب امروز قرار دارند، می‌بایست اقتضات عصر جدید را در نظر گرفت و افعال ایشان را متناسب با فرهنگ زمانه، عصری‌سازی کرد.

عصری‌سازی افعال پیامبر ﷺ مسئله‌ای علمی و روشمند است که باتکیه بر ظاهر متون رفتارشناسانه پیامبر ﷺ پدید نمی‌آید و نیازمند تعریف مبانی نظری و تبیین مراحل عملی است. عصری‌سازی افعال پیامبر ﷺ نیازمند پیمودن مراحل پنج‌گانه‌ای است که مسیر دستیابی به تحلیل روزآمد از افعال پیامبر ﷺ را هموار سازد؛ امکان سنجی تأسی به افعال پیامبر ﷺ، احراز محدودیت تاریخی در افعال پیامبر ﷺ، کشف مقصود از افعال پیامبر ﷺ و بازسازی افعال پیامبر ﷺ از مهم‌ترین گام‌های رسیدن به تحلیل عصری از افعال پیامبر ﷺ است.

منابع و مأخذ

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، *علل الشرایع*، قم، کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵.

۱. شایان ذکر است که برخی محققان این‌گونه موارد را به‌عنوان مستثنیات لزوم تأسی به سیره اهل بیت ﷺ ذکر کرده و ساحت‌هایی چون: ابزارها، روش‌ها، اختصاصات و رفتارهای متشابه را جزو امور غیر قابل پیروی برشمرده‌اند. (ر.ک: عبدالمحمّدی، *درآمدی بر سیره اهل بیت ﷺ*، ص ۷۳ - ۷۰)

۲. ابن بابویه، محمد بن علی، *عیون أخبار الرضا*، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، *کتاب من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ ق.
۴. ابن فارس، احمد، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن ماجه، محمد بن یزید، *سنن ابن ماجه*، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه، بی تا.
۶. ابو داود سجستانی، سلیمان بن اشعث، *سنن ابی داود*، بیروت، المکتبه العصریه، بی تا.
۷. ایازی، سید محمد علی، *ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
۸. بحر العلوم، محمد، *الاجتهاد أصوله و احکامه*، لبنان، دار الزهراء، ۱۹۷۷ م.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، بیروت، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲ ق.
۱۰. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، قم، دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ق.
۱۱. پسندیده، عباس، «معاصر سازی اسوه‌های دینی»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴۲، ص ۱۳۱ - ۱۰۳، زمستان ۱۳۸۷.
۱۲. ترمذی، محمد بن عیسی، *سنن ترمذی*، بیروت، دار الغرب الاسلامی، ۱۹۹۸ م.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله، *ولایت فقیه رهبری در اسلام*، قم، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۷.
۱۴. حلّی، حسن بن یوسف، *الجواهر النضید فی شرح منطق التجرید*، لندن، مؤسسه الامام علی علیه السلام، ۱۳۸۰.
۱۵. حلّی، حسن بن یوسف، *تذکره الفقهاء*، قم، مؤسسه آل‌البتیت، ۱۳۸۸.
۱۶. حلّی، حسن بن یوسف، *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۷. خامه گر، محمد، *اصول و قواعد کشف استدلالی غرض سوره‌های قرآن*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۴.
۱۹. ری شهری، محمد و دیگران، *سیره پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله*، قم، دار الحدیث، ۱۳۹۴.
۲۰. زارعی، محمد مهدی، «الگوهای دینی و سازگاری آنها با مقتضیات زمان» *فلسفه و کلام*، ش ۸۴، ص ۱۰۴ - ۷۹، تابستان ۱۳۸۹.
۲۱. زرکشی، محمد بن بهادر، *البحر المحیط فی أصول الفقه*، کویت، دار الصفوه، ۱۴۱۳ ق.
۲۲. سروش، عبدالکریم، *مدار و مدیونیت*، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۶.
۲۳. سعدی، عبدالحکیم، *مباحث العله فی القیاس*، بیروت، دار البشائر الإسلامیه، ۱۴۰۶ ق.

۲۴. سید رضی، محمد بن حسین، **نهج البلاغه**، قم، نشر هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۲۵. شرفی، عبدالمجید، **عصری سازی اندیشه دینی**، ترجمه: محمد امجد، تهران، نشر ناقد، ۱۳۸۲.
۲۶. شفیع، علی، «بایستگی عصری سازی اجتهاد و مؤلفه های آن»، **ماهنامه خیمه**، ش ۱۳۷، ص ۱۶ - ۱۴، شهریور و مهر ۱۳۹۹.
۲۷. شهید ثانی، زین الدین، **الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة**، قم، کتابفروشی داوری، ۱۴۱۰ ق.
۲۸. شیخ بهائی، محمد بن حسین، **الوجیز فی الدراییة**، قم، بصیرتی، ۱۳۹۰ ق.
۲۹. صدر، سید محمدباقر، **دروس فی علم الأصول**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۸ ق.
۳۰. صدر، محمدباقر، **المعالم الجدیة للأصول**، تهران، مکتبه النجاج، ۱۳۵۹ ق.
۳۱. طبرسی، حسن بن فضل، **مکارم الأخلاق**، قم، الشریف الرضی، ۱۴۱۲ ق.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۳۳. طبری، محمد بن جریر، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۳۴. طوسی، محمد بن حسن، **الأمالی للطوسی**، قم، مؤسسه البعثه، ۱۴۱۴ ق.
۳۵. طوسی، محمد بن حسن، **المبسوط فی فقه الامامیه**، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۸۷.
۳۶. طوسی، نصیر الدین، **اساس الاقتباس**، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
۳۷. عالم زاده نوری، محمد، **استنباط حکم اخلاقی از سیره و عمل معصوم**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۱.
۳۸. عاملی، محمد بن حسن، **تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة**، قم، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۹ ق.
۳۹. عبدالمحمدی، حسین، **درآمدی بر سیره اهل بیت (ع)**، قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی، ۱۳۹۷.
۴۰. علی اکبریان، حسنعلی، **درآمدی بر فلسفه احکام؛ کارکردها و راه های شناخت**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵.
۴۱. علی اکبریان، حسنعلی، **معیارهای بازشناسی احکام ثابت و متغیر در روایات**، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.
۴۲. فخر رازی، محمد بن عمر، **المحصل فی علم اصول الفقه**، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۲ ق.
۴۳. فیومی، احمد بن محمد، **المصباح المنیر**، قم، مؤسسه دار الهجره، ۱۴۱۴ ق.

۴۴. کدیور، محسن، *مسئله برده‌داری در اسلام معاصر*، تهران، نشر کویر، ۱۳۸۷.
۴۵. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۴۶. گیوی، احمد، *دستور زبان فارسی ۱*، تهران، نشر فاطمی، ۱۳۸۸.
۴۷. متقی، سید حمید، «آینده‌ای در گذشته»، *ماهنامه نسیم بیداری*، ش ۲۲، ص ۸۶-۸۲، آذر ۱۳۹۰.
۴۸. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۴۹. مطهری، سید مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا، ۱۳۸۴.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، *أنوار الأصول*، قم، مدرسة الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۸ ق.
۵۱. میرزای قمی، ابوالقاسم، *قوانین الأصول*، قم، احیاء الکتب الاسلامیه، ۱۴۳۰ ق.

